

۱

برنامۀ مستطیر

خونه‌ما...

Borna.montazer.ir

وقتی

چیزی بفرماید

دنیا دیگر ای

هم هست؟

هنوز
نمیریم



■ وقتی هنوز نمرדים،

چه جوری بفهمیم دنیای دیگه ای هم وجود داره؟



■ دنیای دیگه ای هم هست؟ چه جوری از وجودش مطمئن بشیم؟

واقعاً چه دلیلی داره که ما هفتاد هشتاد سال، حالا کمتر یا بیشتر، توی این همه مشکلات دست و پا بزنیم و بعد هم از دنیا بریم؟

■ تکلیف سختی‌هایی که کشیدیم و ظلم‌هایی که در حقمون شده چی می‌شه؟

■ اگه قرار بوده این همه سختی بکشیم؛ پس چرا خدا ما رو راحت طلب آفریده؟

■ چرا همه‌مون عاشق رفاه و آسایش مطلق هستیم؟

■ این میل از کجا می‌آد و چی و کجا میتونه آرومش کنه؟

خیلی وقتا هست که بعد از یه روز اعصاب خرد کن و خسته کننده قبل از اینکه از خستگی بیهوش بشیم، این سوالا توی مغزمون رژه میرن:

- اصلا آخرش که چی؟
- چرا من باید همیشه خوب باشم و به فکر سلامت قلبم باشم؛ وقتی همه هر کار دلشون میخواد میکنن و تازه از منم موفق ترن!
- اصلا اگه هیچ کدوم این حرفا راست نباشه و من الکی اینقدر خودم رو اذیت کرده باشم، چی؟! نظر شما چیه؟ به نظر شما دنیای دیگه ای هم هست؟

■ از کجا معلوم؟!



QR کد را اسکن کنید.



حتما شده که یه بار دور و بر خودت چرخ زده باشی و از این دنیا شاکی شده باشی! از این فشارها و سختی هایی که دم به دقیقه آزارمون میدن، درس ها و امتحان هایی که هیچ وقت تمومی ندارن و هر روز هم سخت تر میشن، وظیفه هایی که با چند سانت بلندتر شدن قدمون روی دوشمون میان و یه وقتایی دیگه تحملشون رو نداریم، یا حتی چیزهایی که دوست داریم داشته باشیم و به هزار و یک دلیل نمی تونیم بهشون برسیم!

بعد دقیقا همون وقتی که داریم زیر بار این فشارها له میشیم، یکی میاد با قلب و دوز و کلک کار خودش رو پیش میبره، یا پز چیزهایی که از راه خلاف به دست آورده رو بهمون میده! خب طبیعیه که اولین چیزی که به ذهنمون میاد اینه که اصلا چرا باید انقدر صاف و اتوکشیده زندگی کنیم؟ یا چرا باید اخلاق داشته باشیم و انقدر خودمون رو تو فشار بذاریم؟ خب دقیقا همین جاست که فرق مایی که خبر داریم دنیای دیگه ای هم هست، با کسی که فکر میکنه زندگی همین دو روز دنیاست، معلوم میشه! ما چون باور داریم که زندگی مون همین هفتاد هشتاد سال عمر دنیا نیست و تازه وقتی پامون رو از دنیا فراتر میذاریم، زندگی اصلیمون شروع میشه، اصلا یه جور دیگه به دنیا نگاه می‌کنیم؛ درست مثل کسی که یه عینک جادویی رو چشمش زده و همه چیز رو به چشم یه فرصت نگاه میکنه! یه فرصت که باهاش نه فقط خودش رو از بقیه جلو میندازه، که راحتی و زندگی ابدیش رو هم تضمین میکنه!

■ یعنی جنین داره بیخودی زحمت میکشه؟

یادتونه یه خورده قبل تر راجع به قانون نسبت و ربطی که زندگی جنین تو رحم با دنیا داره و زندگی که ما توی دنیا داریم با آخرت حرف زدیم؟ خب یه جنین وقتی تو شکم مادرشه، نه قراره دوی صد متر و استقامت بره، نه میخواد با دستاش بنویسه و آشپزی کنه، نه قراره با مغزش مسئله فیثاغورث و مشتق و انتگرال حل کنه؛ اما حاضره تموم سختی‌ها رو واسه درست شدن دست و پا و مغز و ریه و بقیه اندامش تحمل کنه؛ چون داره خودش رو برای دنیا آماده میکنه!

خب ما هم تو دنیا به همچین وضعیتی داریم، یعنی اگه داریم به سختی هایی رو تحمل میکنیم، یا حاضرییم دور بعضی از لذتها رو خط بکشیم، واسه اینکه ما داریم خودمون رو برای به جای دیگه آماده میکنیم و میدونیم به دنیای دیگه ای هم هست! واسه همینم هر جور شده میخوایم به اسم و صفت هایی رو به دست بیاریم که نه فقط تو دنیا بهمون آرامش میدن، که به کار زندگی اصلی و ابدی مون میان! وگرنه خب کی دوست داره خودش رو الکی تو فشار و سختی بذاره که ما دومیش باشیم؟

دوستم

آخه میدونی! دنیایی که ما داریم میریم به سمتش میلیاردها برابر از اینجا بزرگتره فقط به لحظه فکر کن! میلیاردها برابر بزرگتر از این دنیا میدونی یعنی چی؟! 

QR کد را اسکن کنید.



■ ذاتاً با دنیا سازگاری نداریم

اما خب آخرت که الکی نیست، ما کلی دلیل واسه بودنش داریم که خیلی هاشون هم به فطرت و میل های خودمون برمیگردن؛ مثلاً اگه یه نگاه به خودمون بندازیم، می فهمیم که کلاً راحتی و لذت رو به کار و سختی ترجیح میدیم؛ یعنی میشه گفت میل به لذت طلبی و راحت طلبی داریم؛ دلمون میخواد هر موقع خواستیم پاشیم بریم مدرسه و هیچ کس هم به کارمون کار نداشته باشه؛ غذامون همیشه آماده باشه و لباس هامون هم شسته و اتو کشیده تو کمد آویزون باشن؛ یه راننده شخصی آماده به خدمت داشته باشیم و یه حساب بانکی که هر چی ازش بر می داریم، به تهش نرسیم!

اعتقاد حقیقی به **معاد** یعنی باور  داشته باشیم

که اول پیش **خدا** بودیم  و آخرش هم برمیگردیم پیش خودش

قبلاً با **بینهایت** بودیم  و حالا **زمین** با **محدودیت** هاش  راضیمون نمیکنه

رفتن در کار **نیست**  ما داریم برمیگردیم پیش **خدا**

ولی خب دنیای واقعی با این رویاها و آرزوهایی که گفتیم، خیلی فرق داره، یعنی اصلا با میلمون به راحت طلبی و لذت طلبی جور در نمی یاد! چون خاصیتش این جوریه که هیچ لذتی بهمون نمیده؛ مگر اینکه یه جوری حالمون رو بگیره! مثلا اگه خوشمزه ترین غذاها رو هم جلومون بذارن، معده مبارکمون باید زحمت هضم و جذبش رو بکشه؛ تازه اون اندازه ای که دوست داریم هم نمیتونیم غذا بخوریم، چون ظرفیت معده مون محدوده! یا اگه با دوستامون رفته باشیم شنا و دوچرخه سواری و کلی کیف کرده باشیم، باید خستگی و کوفتگی که بعدش سراغمون میاد رو تحمل کنیم، این دنیا این شکلیه دیگه حتی حسرت یه نمره خوب هم بدون زحمت به دلمون میمونه!

بر فرض هم که کلی امکانات داشته باشیم، همزمان که نمیتونیم از همشون استفاده کنیم، حتی اگه ثروتمندترین آدم دنیا هم باشیم، باز هم نمیتونیم همزمان هم توی قایق تفریحی مون باشیم و هم از توی ایستگاه فضایی واسه دوستامون استوری بذاریم؛ چون جسم ما محدوده و نمیتونه همزمان چند جا باشه! تازه ما چون بینهایت طلبیم، خیلی حوصله ی لذت های تکراری رو نداریم و دم به دقیقه دلمون چیزهای جدید میخواد، ولی خب دنیا که ظرفیت این رو نداره که با سرعت خواسته ها و آرزوهای ما پیش بره!

دوستم

■ تازه هیچ چی هم توی این دنیا
همیشگی نیست، مثل بهشت
تموم شدنی عمو مسعود!

QR کد را اسکن کنید.



■ دلمون میخواد ابدی باشیم

یکی دیگه از جاهایی که ناسازگاری ما با دنیا به چشم میاد، میلمون به باقی
موندن و جاودانگیه! یعنی هیچ کی پیدا نمیشه که دوست داشته باشه
نیست و نابود بشه و چیزی ارزش باقی نمونه، ولی خب دنیا هیچ وقت به
ما همچین تضمینی نمیده؛ چون اصلا با ساختارش هماهنگی نداره! یعنی
حتی اگه خودش هم بخواد، شرایطش رو نداره!

یادتون میاد که از پنج تا قانون آرزوها حرف می زدیم؟ خب طبق قانون اول
آرزوها همه این میل هایی که گفتیم، یه جایی باید برآورده بشن؛ چون اگه
واقعا وجود نداشتن که ما هم هیچ میلی و کششی به سمتشون نداشتیم،
جای برآورده شدنشون هم قطعا دنیا نیست، چون اصلا با شکل و شمایل
دنیا جور درنمیان! ولی خب قطعا یه جایی باید باشه که بتونیم به همه
این میل ها و خواسته هامون برسیم.

■ دنیا چه جوری میخواد جواب کارهای ما رو بده؟

درسته که ما تو این دنیا سیستم پاداش و تنبیه داریم، ولی خب قبول داریم که نه پاداشش کامله و نه تنبیهش؟ مثلاً تا حالا شده بخواین محبت‌های یه نفر که مثلاً نصف شب وسط جاده و بیابون شما رو از مرگ حتمی نجات داده، جبران کنین؟ یا بخواین از معلم کلاس اولتون که کلی واسه باسواد شدنتون زحمت کشیده تشکر کنین؟ خب شاید بخوایم با یه دسته گل یا یه هدیه از خجالتشون دربیایم، ولی خودمون هم خوب میدونیم که محبتشون به این راحتی‌ها قابل جبران نیست! البته برعکسش هم درسته‌ها! یعنی کسی که باعث بدبختی و آوارگی میلیون‌ها نفر شده یا حق زندگی رو ازشون گرفته، با یه محکومیت ساده به جزای کارهایش نمیرسه! پس کلاً سیستم این دنیا واسه برقراری کامل عدالت کافی نیست! پس حتماً یه جای دیگه باید باشه تا ما همه حساب کتابهامون رو با بقیه صاف و صوف کنیم! حالا اونجا کجاست! خوب گوش کن تا آقای زارع توی کهکشان درون این شماره برات توضیح بدن:



QR کد را اسکن کنید.



حالا که
به ما رسید؟!!



borna.montazer.ir

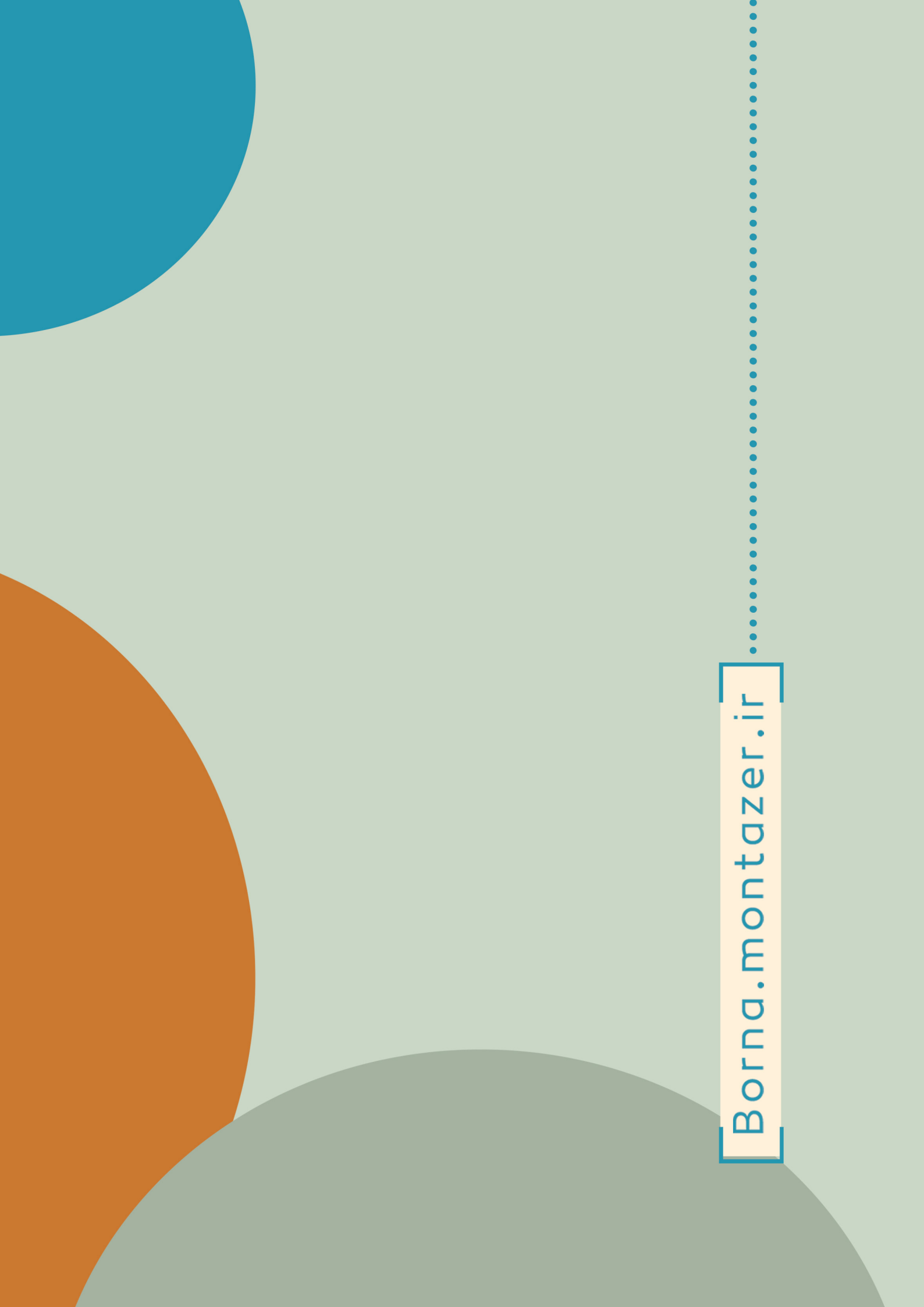
■ پس روحم کجا میره؟

بعدش هم وجود ما که فقط این جسم مادی مون نیست؛ اگه قراره با مرگ ما همه چی تموم بشه، پس تکلیف روحمون که مادی نیست و از بین نمیره چی میشه؟ حتما باید یه عالمی باشه که بعد از این دو روز دنیا روحمون اونجا به زندگی خودش ادامه بده!

اون عالم شگفت انگیز که نه فقط محل زندگی ابدی ماست، که همه خواسته ها و میل هایی که دنیا قدرت برآورده کردنشون رو نداره واسمون برآورده میکنه، آخرته! البته به شرطی که خوب خودمون رو واسش آماده کرده باشیم و با ویژگی ها و شرایطش آشنا باشیم که یهو غافلگیر نشیم! یکی از اولین شرطهای آماده شدن هم شناختنه؛ اصلا خودت بگو، اگه یه جایی رو شناسیم چه جوری میخوایم خودمون رو براش آماده کنیم؟ پس چراغ رو بزن به بدن؛ برای اولین قدم:

QR کد را اسکن کنید.





Borna.montazer.ir